

ره توشه سالکان راه خدا

نویسنده:

حجة السلام شیخ علی اصغر ملک احمدی

ملک احمدی، علی اصغر
ره توشه‌ی سالکان راه خدا/ مؤلف علی اصغر ملک احمدی — اصفهان: شهید حسین فهمیده،
۱۳۸۳. ۳۵۰ ص.

۱۶۰۰۰ ریال: ISBN 964-7400-75-6

فهرست‌نویسی بر اساس اطلاعات فیپا.
کتابنامه به صورت زیرنویس.
۱. احادیث خاص (عنوان بصری) — نقد و تفسیر.
۲. احادیث شیعه — قرن ۳.۱۴. احادیث اخلاقی — قرن ۴.۱۴. جعفر بن محمد (ع)، امام ششم،
۸۳ - ۱۴۸ ق. — احادیث. الف. حدیث عنوان بصری. فارسی - عبری. ب. عنوان.
۲۹۷/۲۱۸ BP ۱۴۵/ع ۹.۴۲۲۶
۱۳۸۳

۱۰۹۳ - ۸۳ م

کتابخانه ملی ایران



ره توشه سالکان راه خدا

حجة السلام شیخ علی اصغر ملک احمدی

انتشارات:	شهید حسین فهمیده
لیتوگرافی:	تامن
صحافی:	نوید
چاپ اول:	۱۳۸۳
شمارگان:	۷۰۰۰ نسخه
قیمت:	۱۶۰۰۰ ریال
شماره شابک:	۹۶۴-۷۴۰۰-۷۵-۶

اصفهان - خیابان ابن سینا - کوی بصیری - شماره ۲۵۶ - تلفن: ۴۴۶۲۲۸۳
مرکز پخش: اصفهان - کتابسرای سلام - ۰۹۱۳۳۱۱۵۱۶۲ - ۰۹۱۳۳۱۶۸۵۱۳

فهرست مطالب

صفحه	عنوان
۱۵	مقدمه
۲۰	«متن کامل روایت عنوان بصری»
۲۷	«متن حدیث»
۲۸	«متن حدیث»
۲۸	«علم به منزله نور است و آن را باید از اهلش کسب کرد»
۳۱	در راه سیر و سلوک الی الله، افسان باید از یک استاد تبعیت کند
۳۳	«متن حدیث»
۳۴	«متن حدیث»
۳۵	«متن حدیث»
۳۷	انقطاع الی الله شاه کلید درهای بسته
۳۹	حکایت طنبور زن پیر
۴۲	عقاب یار هم زیباست
۴۴	الهام گرفتن ملاحسینقلی همدانی از یک کبوتر
۴۵	انسان از حق، به غیر حق نباید رجوع کند
۴۶	انسان وقتی حق را شناخت باید دو دستی به آن بچسبد و آن را رها نکند
۴۷	حکایت مجنون
۴۹	رجوع به خدا یگانه پشتیبان انسان در هر شکلی

- طالب واقعی به مطلوب خود خواهد رسید ۵۲
- در جا زدن سالک به واسطه طلب جدی ۵۵
- نماز قبل از طلب حاجت ، مفتاح درهای بسته ۵۸
- توجه انسان در نماز فقط باید به خدا باشد ۶۱
- شخصی که جوال خرش را در نماز یافت ۶۲
- ملاقات آیت الله شهید مطهری و عارف کامل
سید هاشم حداد (رحمه الله علیه) ۶۴
- علم واقعی کدام علم است؟ ۶۵
- معنای صراط مستقیم چیست؟ ۶۶
- همه باید سالک الی الله باشند ۷۶
- «متن حدیث» ۸۱
- «متن حدیث» ۸۳
- سرفرو بردن عارفان به چه معناست؟ ۸۳
- استغراق چیست؟ ۸۴
- حکایتی از مرحوم نخودکی (رحمه الله علیه) ۸۵
- ارزش قدمهای مرد خدا ۸۷
- اهمیت استاد در طریق الی الله ۸۸
- داشتن استاد چیز عجیبی نیست ۹۱
- تفاوت انسان استاد دیده و انسان استاد ندیده ۹۳
- استاد بر دو قسم است ۹۴
- قدرتهای خارق العاده ۹۵
- کسی که خودش را نمی دید ۹۶

- هیچ کس بن هیچ کس ۹۸
- «متن حدیث» ۹۹
- «متن حدیث» ۱۰۱
- علم نور است نه خواندن ۱۰۱
- علم حضوری چیست؟ ۱۰۵
- کسانی که نور به قلبشان تابید ۱۰۷
- عارف کامل سید هاشم حداد (رحمة الله علیه) ۱۰۸
- شیخ رجبعلی خیاط (رحمة الله علیه) ۱۰۹
- مرحوم کربلائی محمد کاظم فراهانی (رحمة الله علیه) ۱۱۰
- «متن حدیث» ۱۱۱
- راه تحصیل علم واقعی چیست؟ ۱۱۱
- «متن حدیث» ۱۱۲
- علم بدون اخلاص و عمل چیزی جز خسران نیست ۱۱۵
- چرا اینشتین در آخرین سال زندگی تأسف خورد ۱۱۷
- آیا می‌دانید علوم ظاهری و مادی انسان را منحصر در ماده می‌کند؟ ۱۱۷
- چرا علم حجاب است؟ ۱۱۹
- سزاوار است انسان چه علمی بیاموزد؟ ۱۲۱
- در کنار علوم، علم عشقی هم به دست آور ۱۲۴
- طلبه‌های طالب دنیا ۱۲۶
- «متن حدیث» ۱۲۸
- آیا می‌دانید فهم بالاتر از علم است؟ ۱۲۸

- مَحَاجَّةُ حَاجِ هَادِي أَبْهَرِي بَا عِلْمَاء ۱۲۰
- «مَتْنِ حَدِيثِ» ۱۲۵
- عَبُودِيَّتِ رَازِ رَسِيدِنِ بِي رُبُوبِيَّتِ ۱۲۵
- عِبَادَتِ چيست؟ ۱۲۶
- مَرْدِنِ مَارِ بَا اِسْمِ مَمِيَّتِ حَضْرَتِ حَقِ ۱۲۷
- آبِي كِه بِي وَاسِطَةُ نِيَّتِ پَاكِ بِي غَلِيَانِ دِرْآمَدِ ۱۲۹
- بِنْدِه_تَرِينِ بِنْدِگَانِ رَسُولِ گَرَامِي اِسْلَامِ اسْتِ ۱۴۱
- نِشَانِه_هَایِ يَكِ عِبْدِ وَاقِعِي چيست؟ ۱۴۲
- مَالِكِيَّتِ پِنْدَارِي اِي كِه بَاعْثِ شَرِكِ وَ نَابُودِي شَدِ ۱۴۵
- حِكَايَتِي عَجِيْبِ اَز مَرِكِ مَأْمُونِ ۱۴۷
- مَالِكِيَّتِ پِنْدَارِي مَانَعِ اَز پِرَوَازِ اِنْسَانِ مِي_شُودِ ۱۴۹
- چِرَا دَر هَر كَارِي اِنْشَاءِ اللّهِ بَايَدِ گُفْتِ؟ ۱۵۰
- آيَا اِنْسَانِ نَمِي_تَوَانَدِ عَمَلِي رَا بِي خُودِ نَسَبِتِ بِي_دِهَدِ؟ ۱۵۲
- «مَتْنِ حَدِيثِ» ۱۵۴
- نَمُونِه_ایِ بَارَزِ اَز يَكِ عِبْدِاللّهِ ۱۵۶
- «مَتْنِ حَدِيثِ» ۱۶۰
- مِرَاقِبِه چيست؟ ۱۶۰
- ذَاكِرِ وَاقِعِي خِداوَنَدِ كِيَسْتِ؟ ۱۶۱
- بَعْضِي اَز اَثَارِي كِه بِي_وَاسِطَةُ اطَاعَتِ شَامِلِ اِنْسَانِ مِي_شُودِ ... ۱۶۳
- «مَتْنِ حَدِيثِ» ۱۶۵
- آيَا مِي_دَانِيَدِ يَكِي اَز زِيْبَاَتَرِينِ دَسْتُورَاتِ اِسْلَامِ اِنْفَاقِ اسْتِ؟ ... ۱۶۵
- اَثَرِ اِنْفَاقِ دَر نَفْسِ آدَمِي چيست؟ ۱۶۶

- اولیاء خدا نمونه‌های بارز ایثار و انفاق می‌باشند ۱۶۹
- اثر انفاق در اجتماع چیست؟ ۱۷۰
- انسان چه نکاتی را در مورد انفاق باید توجه داشته باشد؟ ۱۷۳
- «متن حدیث» ۱۷۹
- «متن حدیث» ۱۸۲
- آیا می‌دانید اصلاح و رسیدگی به نفس از أهم واجبات است؟ ۱۸۲
- آیا می‌دانید گناه در قیاس با عجب (خودبینی) برای مؤمن بهتر است؟ ۱۸۴
- کبر چیست؟ ۱۸۶
- آیا می‌دانید نشانه‌های کبر چیست؟ ۱۸۹
- «متن حدیث» ۱۹۲
- آیا می‌دانید بسیاری از گرفتاریها نتیجه رفتار غلط با مردم است؟ ۱۹۵
- پا دردی که در اثر دل شکستن به وجود آمد ۱۹۶
- تبی که در اثر آزار فرزندان به وجود آمد ۱۹۷
- نوری که در اثر کمک به نابینا ایجاد شد ۱۹۸
- می‌شد زنت را نزن! ۱۹۸
- ارزش خدمت به خلق ۱۹۹
- «متن حدیث» ۲۰۰
- کثرات (زیاده طلبیها) انسان را از خدا غافل می‌کند ۲۰۰
- آیا می‌دانید دنیای مذموم و ممدوح چیست؟ ۲۰۱
- تلاش امام باقر علیه السلام در جهت کسب حلال ۲۰۳

- قارون نمونه‌ای از دنیا طلبان و مستکبران ۲۰۵
- روایتی در رابطه با موسی علیه السلام و قارون ۲۰۷
- «متن حدیث» ۲۱۱
- آیا می‌دانید عمر، بهترین سرمایه برای تکامل انسان است؟ ۲۱۱
- ضایع شدن عمر به چیست؟ ۲۱۳
- دستور العملی از مرحوم شیخ محمد بهاری همدانی ۲۱۴
- هدر دادن عمر از دام‌های شیطان است ۲۱۵
- پیامبر خدا هم ساعات خود را تقسیم می‌نمود ۲۱۶
- «متن حدیث» ۲۱۸
- تقوی چیست؟ ۲۱۸
- اعمال صالحی که به واسطه آتش گناه از بین می‌رود ۲۱۹
- کارهای نیکی که مانند غبار پراکنده می‌شوند ۲۱۹
- حرام خواری عبادات را می‌سوزاند ۲۲۰
- فرمایش مرحوم مجلسی در اقسام تقوی ۲۲۰
- عاقبت نیک مخصوص متقیان است ۲۲۱
- «متن حدیث» ۲۲۵
- دستورالعملهای امام صادق علیه السلام برای سالکین الی الله ۲۲۶
- «متن حدیث» ۲۳۱
- ریاضت چیست؟ ۲۳۱
- امیرالمؤمنین علیه السلام هم به نفس خود ریاضت می‌دهد ۲۳۲
- بهترین غذا برای روح گرسنگی است ۲۳۵
- حکایت مرحوم قاضی درباره با جوع ۲۳۶

- ۲۳۸ راه تدارکاتی شیطان به وسیله گرسنگی بسته می‌شود
 ۲۴۰ حد گرسنگی تا چه مقدار است؟
 ۲۴۲ آثار و فوائد گرسنگی
 ۲۴۴ اشعار زیبای حاج ملاهادی سبزواری در مورد روزه و گرسنگی
 ۲۴۶ آداب غذا خوردن یک مسلمان چیست؟
 ۲۵۰ غذا خوردن غلط
 ۲۵۲ اساسی‌ترین نکات در رابطه با خوردن و آشامیدن
 ۲۵۳ غذای انسان باید حلال باشد
 ۲۵۴ روایات عجیبی که درباره حلال و حرام آمده
 ۲۵۵ حرام خوردن چشم قلب را کور و حلال خوردن آن را بینا می‌کند
 ۲۵۷ دو قضیه در تأثیر خوراک حرام
 ۲۵۷ حرام خوردن دین را هم از بین می‌برد
 ۲۵۸ حقیقت لقمه حرام چرک و خون می‌باشد
 ۲۶۳ درد و دل ما از زبان مرحوم نراقی (رحمة الله علیه)
 ۲۶۴ چرا باید هر کاری را با نام خدا آغاز کرد؟
 ۲۶۷ نام خدا انسان را از عکس‌العمل کارها محفوظ می‌دارد
 ۲۷۰ کیسه زری که به واسطه نام خدا محفوظ ماند
 ۲۷۱ زهری که به واسطه نام خدا تأثیر نمی‌کرد
 ۲۷۲ کسی که با معرفت نام خدا را ببرد آتش در او تأثیر نمی‌گذارد

- سفارش امیرالمؤمنین علی علیه السلام به کمال در آداب غذا خوردن . ۲۷۳
- گوشه‌ای از سنت پیامبر صلی الله علیه و آله در غذا خوردن و رجوع مردم به سنت
کفار ۲۷۵
- تجملات، زنجیری به پای انسان ۲۷۷
- ناراحتی پیامبر صلی الله علیه و آله با دیدن پرده رنگین و زینتها ۲۸۰
- سرچشمه بسیاری از گناهان شکم می‌باشد ۲۸۲
- «متن حدیث» ۲۸۷
- معنای حلم و بردباری چیست؟ ۲۸۸
- حلم در چه مواضعی کاربرد دارد؟ ۲۸۹
- معنای عفو و بخشش چیست؟ ۲۹۰
- دستورات امام صادق علیه السلام اخذ شده از آیات قرآن می‌باشد ۲۹۲
- انسان به واسطه عمل به قرآن وارد در اسم سلام خداوند
می‌شود ۲۹۴
- سُبُل سلام یا راههای سلام و سلامتی ۲۹۵
- کسانی که وارد در اسم سلام پروردگار شدند ۲۹۷
- کسی که به واسطه خدمت به مادر وارد در اسم سلام خداوند
شد ۳۰۲
- اثمه معصومین اولین عاملان به قرآن بودند ۳۰۵
- گذشت امام صادق علیه السلام از پسر عمویش ۳۰۶
- عفو و گذشت امام صادق علیه السلام از کنیز خود ۳۰۷
- کرامت و عزت نفس امام سجاد علیه السلام ۳۰۷
- «متن حدیث» ۳۱۵

۳۱۵		سخنی در مورد حقیقت علم
۳۱۸		شرایط تعلیم و تعلم
۳۲۱		دروازه علم به واسطه پرسش باز می شود
۳۲۳		کشتن شخصی به واسطه سؤال نکردن
۳۲۷		بدعتها به واسطه عمل به رأی ایجاد می شوند
۳۳۳		چرا انسان باید از فتوی دادن فرار کند
۳۳۶		پیروی کردن از فتوی دهنده پیروی از علم است
۳۳۷		نمونه ای از فرار علماء از فتوی دادن
		گریه میرزا محمد حسن شیرازی به واسطه رسیدن به
۳۳۸		مرجعیت
۳۴۰		یکی از عللی که باید از مرجعیت و فتوی فرار کرد
۳۴۴		بعضی از شرایط یک فتوی دهنده
۳۴۸		«متن حدیث»

مقدمه

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

وَصَلَّى اللَّهُ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ الطَّيِّبِينَ الطَّاهِرِينَ وَلَعَنَهُ اللَّهُ عَلَى أَعْدَائِهِمْ أَجْمَعِينَ.

حمد و سپاس مخصوص خدائی است که در راه سعادت بشر و هدایت او از هیچگونه عنایتی کوتاهی نکرده و در جهت تکامل انسان جامع‌ترین و بهترین از اولیاء خود را فرستاده و به واسطه آنها قلوب تشنه و تفتیده بشریت را سیراب نموده. امام صادق علیه السلام یکی از این برگزیدگان الهی می‌باشد که نور الهی را از منبع آن اخذ کرده، و قلوب و دلهای مستعد را منور نموده. از جمله کلمات و جملات نورانی آن امام عزیز، همین حدیث شریفی است که در پیش روی دارید. این روایت شریف علاوه بر اینکه برای عموم مردم قابل استفاده است و هرکس می‌تواند بهره خود را از آن ببرد، اما هدیه‌ایست خاص برای پویندگان راه خدا و آنان که تشنه لقاء پروردگارند.

برای پویندگان راه خدا کسانی که توجه به این حدیث و عمل کردن و پیاده کردن آن در زندگی عامل مؤثری در رسیدن به سر منزل مقصود خواهد بود. عمل بر طبق این حدیث شریف برای کسانی که می‌خواهند اعراض از غرض‌ورزی و حس انتقام‌جوئی و کسر صولت نفس اماره کنند ضروری می‌باشد و کسانی که

می‌خواهند دریچه‌ای و روزنه‌ای به عالم معنی و تجرد و ملکوت پیدا نمایند عمل به این حدیث آنها را به آرزویشان خواهد رسانید . این حقیر چون دیدم توجه و عمل به این حدیث شریف بسیار مورد تأکید بزرگان و اولیاء خدا می‌باشد و شرحی مستقل تا به حال بر آن نگاشته نشده است به همین جهت برخود لازم دیدم که با قلم ناتوان خود شرحی بر آن بنویسم . امید اینکه قابل استفاده سالکان راه حق و طالبان طریق سعادت واقع گردد . در این کتاب با استفاده از قرآن و روایات و کلمات بزرگان بر هر یک از مطالب حضرت شرحی مختصر داده شده و جهت درک و فهم بهتر مطالب به مناسبت حکایاتی را از اولیاءالله و غیره آورده‌ایم . نکته‌ای که به شما خواننده عزیز توصیه می‌کنم این است که در هنگام خواندن این روایت خود را گم‌شده‌ای بپندار که به راهبری رسیده‌ای و از او تقاضای هدایت و دستگیری می‌نمایی و خود را در محضر مقدس امام صادق علیه السلام مشاهده کن و خود را اینطور تصور کن که به درخانه امام صادق علیه السلام آمده‌ای و آن حضرت ترا راه نداده‌اند و تو دلشکسته از خدا طلب ملاقات و لیش را می‌نمائی و خدا هم حاجتت را می‌دهد و تو به ملاقات آن حضرت مشرف می‌شوی و زانو در مقابلش می‌زنی و از فیوض آن حضرت بهره‌مندی می‌گردد .

اما این حدیث شریف معروف به «حدیث عنوان بصری» می‌باشد و شهرت آن بدین نام از این جهت است که امام صادق علیه السلام حدیث را برای شخصی به نام عنوان بصری بیان نموده‌اند و او راوی این حدیث شریف می‌باشد .

عنوان بصری پیرمردی فرتوت می باشد که در هنگام تشریفش به منزل امام صادق علیه السلام در حدود نود و چهار سال از عمرش سپری شده است. عنوان بصری سنّی مذهب بوده و از زندگی او چیزی در دست نیست، و در کتب رجال هم نامی از او برده نشده است ولی این مطلب ضروری به این حدیث شریف نمی زند، به جهت آنکه این ضعف سند به واسطه «متن حدیث» جبران شده است. زیرا که مطالب و جملات بیان شده در حدیث خود شهادت می دهند که از غیر معصوم نمی تواند بوده باشد و از این موارد در احادیث ما بسیار به چشم می خورد. نهج البلاغه هم یکی از این نوع احادیث می باشد، با اینکه سند آن ضعیف است ولی متن آن به قدری عظمت دارد که احدی غیر از آن امام عزیز قادر بر بیان آن کلمات نمی باشد. علاوه بر اینکه حدیث عنوان بصری بدین سبب ضعف آن جبران می شود، بسیاری از بزرگان و اولیاء الله این روایت را نصب العین خود قرار داده و بدان عمل می کردند و به دیگران نیز برطبق مضامین آن توصیه به عمل می نمودند. در اینجا مناسب است مطالبی را از کتاب یکی از دانشمندان برای شما نقل نمائیم.

این دانشمند می گوید: مرحوم استاد بزرگ و عارف بی بدیل قرن، بلکه به قول استاد ما، حضرت آقای سیدهاشم حداد که می فرمودند: (از صدر اسلام تا به حال، عارفی به جامعیت مرحوم قاضی نیامده است) برای گذشتن از نفس اماره و خواهشهای مادی و طبعی و شهوی و غضبی که اغلب از کینه و حرص و شهوت و غضب و زیاده روی در تلذّذات برمی خیزد، روایت عنوان بصری

را دستور می‌دادند به شاگردان و تلامذه و مریدان سیر و سلوک الی‌الله تا آن را بنویسند و بدان عمل کنند. یعنی یک دستور اساسی و مهم، عمل برطبق مضمون این روایت بود. و علاوه بر این می‌فرمودند: (باید آن - روایت عنوان بصری - را در جیب خود داشته باشند و هفته‌ای یکی دوبار آن را مطالعه نمایند).

این روایت، بسیار مهم است و حاوی مطالب جامعی در بیان کیفیت معاشرت و خلوت، و کیفیت و مقدار غذا، و کیفیت تحصیل علم، و کیفیت حلم و مقدار شکیبائی و بردباری و تحمل شدائد در برابر گفتار هرزه گویان، و بالاخره مقام عبودیت، و تسلیم، و رضا و وصول به اعلیٰ ذروه عرفان و قله توحید است. بنابراین شاگردان خود را بدون التزام به مضمون این روایت نمی‌پذیرفته‌اند^(۱).

و همچنین نویسنده کتاب روح مجرد، مرحوم حضرت علامه سید محمد حسین حسینی طهرانی به شاگردان سلوکی و طلاب دستور داده بودند که این روایت را بنویسند و در جیب خود داشته باشند و چه بسا حفظ کند و از آن غافل نباشند و می‌گفتند باید در شرح این روایت کتابها نوشته شود.

این روایت از حضرت امام صادق علیه السلام نقل شده است و مرحوم مجلسی آن را در کتاب بحارالانوار ذکر نموده است^(۲) و ما به

۱ - روح مجرد ص ۱۷۵

۲ - بحارالانوار طبع حروفی ج ۱ ص ۲۲۴ تا ۲۲۶ کتاب‌العلم حدیث ۱۷

جهت سهل الوصول بودن، هم از جهت متن و هم از جهت ترجمه آن را از کتاب روح مجرد نقل می‌نمائیم به امید آنکه مورد قبول درگاه الهی قرار گیرد و پویندگان راه حق و حقیقت و محبین و عاشقان سیر و سلوک الی الله و سایر دوستداران ائمه معصومین بتوانند از آن ممتنع و بهره‌مند گردند.

در آخر از همه کسانی که بنده را در تدوین این کتاب به نحوی یاری کرده‌اند تشکر می‌نمایم. و با تقدیم اشعاری در مدح امام صادق علیه السلام وارد در این حدیث شریف می‌شویم:

ای قباى پادشاهی راست بر بالای تو
زیفت تاج و نگین از گوهر والای تو
آفتاب فتح را هر دم طلوعی می‌دمد
از کلاه خسروی رخسار مه سیمای تو
از رسوم شرع و حکمت با هزاران اختلاف
نکته‌ای هرگز نشد فوت از دل دانای تو
آب حیوانش ز منقار بلاغت می‌چکد
طوطی خوش لهجه یعنی کلک شکر خای تو
گر چه خورشید فلک چشم و چراغ عالم است
روشنائی بخش چشم اوست خاک پای تو
آنچه اسکندر طلب کرد و ندادش روزگار
جرعه‌ای بود از زلال جام جان افزای تو
عرض حاجت در حریم حضرتت محتاج نیست
راز کس مخفی نماند با فروغ رای تو

خسروا پیرانه سر حافظ جوانی می‌کند
بر امید عفو جان بخش گنه فرسای تو
شیخ علی اصغر ملک احمدی

«متن کامل روایت عنوان بصری»

أَقُولُ: وَجَدْتُ بَخَطَ شَيْخِنَا الْبَهَائِيِّ - قَدَّسَ اللَّهُ رُوحَهُ - مَا هَذَا لَفْظُهُ:
قَالَ الشَّيْخُ شَمْسُ الدِّينِ مُحَمَّدُ بْنُ مَكِّي: نَقَلْتُ مِنْ خَطِّ الشَّيْخِ
أَحْمَدَ الْقَرَاهَانِيِّ رَحِمَهُ اللَّهُ، عَنْ عُتْوَانَ الْبَصْرِيِّ - وَكَانَ شَيْخًا كَبِيرًا قَدْ
أَتَى عَلَيْهِ أَرْبَعٌ وَتِسْعُونَ سَنَةً - قَالَ: كُنْتُ اخْتَلَفْتُ إِلَى مَالِكِ بْنِ أَنَسٍ
سِنِينَ؛ فَلَمَّا قَدِمَ جَعَفَرُ الصَّائِقُ عَلَيْهِ السَّلَامُ الْمَدِينَةَ اخْتَلَفْتُ إِلَيْهِ وَ
أَحْبَبْتُ أَنْ أَخْذَ عَنْهُ كَمَا أَخَذْتُ عَنْ مَالِكٍ.

فَقَالَ لِي يَوْمًا: إِنِّي رَجُلٌ مَطْلُوبٌ وَمَعَ ذَلِكَ لِي أَوْرَادٌ فِي كُلِّ سَاعَةٍ مِنْ
آثَاءِ اللَّيْلِ وَالنَّهَارِ فَلَا تَشْغَلْنِي عَنْ وَرْدِي، وَخُذْ عَنْ مَالِكٍ وَاخْتَلَفْ إِلَيْهِ
كَمَا كُنْتُ تَخْتَلِفُ إِلَيْهِ.

فَاغْتَمَمْتُ مِنْ ذَلِكَ، وَخَرَجْتُ مِنْ عِنْدِهِ وَقُلْتُ فِي نَفْسِي: لَوْ تَفَرَّسَ فِي
خَيْرًا لَمَا رَجَرَنِي عَنِ الْإِخْتِلَافِ إِلَيْهِ وَالْأَخْذِ عَنْهُ.
فَدَخَلْتُ مَسْجِدَ الرَّسُولِ ﷺ وَسَلَّمْتُ عَلَيْهِ ثُمَّ رَجَعْتُ مِنَ الْغَدِ إِلَى الرُّوَضَةِ
وَصَلَّيْتُ فِيهَا رَكَعَتَيْنِ وَقُلْتُ: أَسْأَلُكَ يَا اللَّهُ يَا اللَّهُ أَنْ تَعْمِفَ عَلَيَّ قَلْبَ

جَعْفَرٍ وَ تَرَزُّقَنِي مِنْ عِلْمِهِ مَا أَهْتَدِي بِهِ إِلَى صِرَاطِكَ الْمُسْتَقِيمِ !
و رَجَعْتُ إِلَى دَارِي مُغْتَمًّا وَلَمْ أَخْتَلِفْ إِلَى مَالِكِ بْنِ أَنَسٍ لِمَا أُشْرِبَ
قَلْبِي مِنْ حُبِّ جَعْفَرٍ. فَمَا خَرَجْتُ مِنْ دَارِي إِلَّا إِلَى الصَّلَاةِ الْمَكْتُوبَةِ حَتَّى
عَيْلَ صَبْرِي. فَلَمَّا ضَاقَ صَدْرِي تَنَعَلْتُ وَ تَرَدَّيْتُ وَ قَصَدْتُ جَعْفَرًا وَ كَانَ
بَعْدَ مَا صَلَّيْتُ الْعَصْرَ.

فَلَمَّا حَضَرَتْ بَابَ دَارِهِ اسْتَأْذَنْتُ عَلَيْهِ فَخَرَجَ خَادِمٌ لَهُ فَقَالَ:
مَا حَاجَتُكَ؟
فَقُلْتُ: السَّلَامُ عَلَى الشَّرِيفِ.

فَقَالَ: هُوَ قَائِمٌ فِي مُصَلَّاهُ. فَجَلَسْتُ بِجِذَاءِ بَابِهِ فَمَا لَبِثْتُ إِلَّا يَسِيرًا إِذْ
خَرَجَ خَادِمٌ فَقَالَ: ادْخُلْ عَلَى بَرَكَةِ اللَّهِ. فَدَخَلْتُ وَ سَلَّمْتُ عَلَيْهِ. فَرَدَّ السَّلَامَ
وَقَالَ: اجْلِسْ غَفَرَ اللَّهُ لَكَ !

فَجَلَسْتُ فَأَطْرَقَ مَلِيًّا، ثُمَّ رَفَعَ رَأْسَهُ، وَقَالَ: أَبُو مَنْ ؟
قُلْتُ: أَبُو عَبْدِ اللَّهِ !

قَالَ: ثَبَّتَ اللَّهُ كُنْيَتَكَ وَوَقَّفَكَ يَا أَبَا عَبْدِ اللَّهِ، مَا مَسْأَلَتُكَ ؟
فَقُلْتُ: فِي نَفْسِي: لَوْ لَمْ يَكُنْ لِي مِنْ زِيَارَتِهِ وَالتَّسْلِيمِ غَيْرَ هَذَا الدُّعَاءِ
لَكَانَ كَثِيرًا.

ثُمَّ رَفَعَ رَأْسَهُ ثُمَّ قَالَ: مَا مَسْأَلَتُكَ ؟
فَقُلْتُ: سَأَلْتُ اللَّهَ أَنْ يَعْطِفَ قَلْبَكَ عَلَيَّ وَ يَزُرُقَنِي مِنْ عِلْمِكَ وَ أَرْجُو
أَنَّ اللَّهَ تَعَالَى أَجَابَنِي فِي الشَّرِيفِ مَا سَأَلْتُهُ.

فَقَالَ: يَا أَبَا عَبْدِ اللَّهِ! لَيْسَ الْعِلْمُ بِالتَّعَلُّمِ، أَنَّمَا هُوَ نُورٌ يَقَعُ فِي قَلْبٍ مَن يُرِيدُ اللَّهَ تَبَارَكَ وَتَعَالَى أَنْ يَهْدِيَهُ فَإِنْ أَرَدْتَ الْعِلْمَ فَاطْلُبْ أَوَّلًا قِي نَفْسِكَ حَقِيقَةَ الْعُبُودِيَّةِ، وَاطْلُبِ الْعِلْمَ بِاسْتِعْمَالِهِ، وَاسْتَفْهِمِ اللَّهَ يَفْهَمَكَ!

قُلْتُ: يَا شَرِيفُ! فَقَالَ: قُلْ: يَا أَبَا عَبْدِ اللَّهِ!

قُلْتُ: يَا أَبَا عَبْدِ اللَّهِ! مَا حَقِيقَةُ الْعُبُودِيَّةِ؟

قَالَ: ثَلَاثَةُ أَشْيَاءَ: أَنْ لَا يَرَى الْعَبْدُ لِنَفْسِهِ فِيمَا خَوَّلَهُ اللَّهُ مِلْكَاً لِأَنَّ الْعَبِيدَ لَا يَكُونُ لَهُمْ مِلْكٌ، يَرَوْنَ الْمَالَ مَالَ اللَّهِ يَضَعُونَهُ حَيْثُ أَمَرَهُمُ اللَّهُ بِهِ، وَلَا يُدَبِّرُ الْعَبْدُ لِنَفْسِهِ تَذْبِيراً، وَجُمْلَةً اسْتِغَالِهِ فِيمَا أَمَرَهُ تَعَالَى بِهِ وَنَهَا عَنْهُ.

فَإِذَا لَمْ يَرَ الْعَبْدُ لِنَفْسِهِ فِيمَا خَوَّلَهُ اللَّهُ تَعَالَى مِلْكَاً هَانَ عَلَيْهِ الْإِنْفَاقُ فِيمَا أَمَرَهُ اللَّهُ تَعَالَى أَنْ يُنْفِقَ فِيهِ. وَإِذَا قَوَّضَ الْعَبْدُ تَذْبِيرَ نَفْسِهِ عَلَى مُدَبَّرِهِ هَانَ عَلَيْهِ مَصَائِبُ الدُّنْيَا. وَإِذَا اسْتَفْغَلَ الْعَبْدُ بِمَا أَمَرَهُ اللَّهُ تَعَالَى وَنَهَا، لَا يَتَفَرَّغُ مِنْهُمَا إِلَى الْمِرَاءِ وَالْمُبَاهَاةِ مَعَ النَّاسِ.

فَإِذَا أَكْرَمَ اللَّهُ الْعَبْدَ بِهَذِهِ الثَّلَاثَةِ هَانَ عَلَيْهِ الدُّنْيَا، وَابْنِيسُ، وَالْخَلْقُ وَلَا يَطْلُبُ الدُّنْيَا تَكَاثُراً وَتَفَاخُراً، وَلَا يَطْلُبُ مَا عِنْدَ النَّاسِ عِزّاً وَعُلُوّاً، وَلَا يَدْعُ أَيَّامَهُ بَاطِلاً.

فَهَذَا أَوَّلُ دَرَجَةِ النُّقَى. قَالَ اللَّهُ تَبَارَكَ وَتَعَالَى: تِلْكَ الدَّوَارُ الْآخِرَةُ نَجْعَلُهَا لِلَّذِينَ لَا يُرِيدُونَ عُلُوّاً فِي الْأَرْضِ وَلَا فَسَاداً وَالْعَاقِبَةُ لِلْمُتَّقِينَ.

قُلْتُ: يَا أَبَا عَبْدِ اللَّهِ! أَوْصِنِي!

قَالَ: أَوْصِيكَ بِتِسْعَةِ أَشْيَاءَ فَأَنْهَا وَصِيَّتِي لِمُرِيدِي الطَّرِيقِ إِلَى اللَّهِ

تَعَالَى؛ وَاللَّهِ أَسْأَلُ أَنْ يُوقِّفَكَ لِاسْتِعْمَالِهِ. ثَلَاثَةٌ مِنْهَا فِي رِيَاضَةِ النَّفْسِ،
وَوَثَلَاثَةٌ مِنْهَا فِي الْجِلْمِ، وَ ثَلَاثَةٌ مِنْهَا فِي الْعِلْمِ. فَلَاخُفْظَهَا، وَ آيَاكَ وَالتَّهَافُونَ
بِهَا!
قَالَ عُتْوَانُ: فَفَرَعْتُ قَلْبِي لَهُ.

فَقَالَ: أَمَّا اللُّوَاتِي فِي الرِّيَاضَةِ: فَإِيَّاكَ أَنْ تَأْكُلَ مَا لَا تَشْتَهِيهِ فَإِنَّهُ
يُورِثُ الْجِمَاقَةَ وَالْبَلَاءَ. وَ لَا تَأْكُلْ إِلَّا عِنْدَ الْجُوعِ وَإِذَا أَكَلْتَ فَكُلْ حَلَالاً وَ سَمّاً
اللَّهِ، وَادْكُرْ حَدِيثَ الرَّسُولِ ﷺ مَا مَلَأَ أَيْدِيَّ وَعَاءَ شَرّاً مِنْ بَطْنِهِ، فَإِنْ كَانَ
وَ لَا بُدَّ فَتَلْتُ لِطَعَامِهِ وَ ثَلْتُ لِشَرَابِهِ وَ ثَلْتُ لِنَفْسِهِ.

وَ أَمَّا اللُّوَاتِي فِي الْجِلْمِ: فَمَنْ قَالَ لَكَ: إِنْ قُلْتَ وَاحِدَةً سَمِعْتَ عَشْرًا.
فَقُلْ: إِنْ قُلْتَ عَشْرًا لَمْ تَسْمَعْ وَاحِدَةً.
وَمَنْ شَتَمَكَ فَقُلْ لَهُ: إِنْ كُنْتَ صَادِقاً فِيمَا تَقُولُ، فَاسْأَلِ اللَّهَ أَنْ
يَغْفِرَ لِي، وَإِنْ كُنْتَ كَاذِباً فِيمَا تَقُولُ، فَاللَّهُ أَسْأَلُ أَنْ يَغْفِرَ لَكَ.
وَمَنْ وَعَدَكَ بِأَنْخَنِ فَعِذْهُ بِالنَّصِيحَةِ وَالرَّعَاءِ.

وَ أَمَّا اللُّوَاتِي فِي الْعِلْمِ: فَاسْأَلِ الْعُلَمَاءَ مَا جَهِلْتَ، وَ آيَاكَ أَنْ تَسْأَلَهُمْ
تَعَنُّتاً وَ تَجَرِبَةً. وَ آيَاكَ أَنْ تَعْمَلَ بِرَأْيِكَ شَيْئاً. وَخُذْ بِالْإِخْتِيَاظِ فِي جَمِيعِ
مَا تَجِدُ إِلَيْهِ سَبِيلاً. وَاهْرُبْ مِنَ الْفِتْنَةِ هَرَبَكَ مِنَ الْآسَدِ. وَلَا تَجْعَلْ رَقَبَتَكَ
لِلنَّاسِ جَسْراً.

قُمْ عَنِّي يَا أَبَاعَبْدِ اللَّهِ، فَقَدْ نَصَحْتُ لَكَ، وَ لَا تُفْسِدْ عَلَى وَرَثَتِي
فَإِنِّي أَمْرٌ ضَنْيَنٌ بِنَفْسِي. وَالسَّلَامُ عَلَى مَنْ اتَّبَعَ الْهُدَى.